



A Comparative Analysis of the Foundations of Trustworthiness of "Yasin Dhirir" and the Evaluation of His Narrative Legacy from the Perspective of Imami Scholars *

Mahdi Dargahi ¹ and Reza Mirzaei Kalan ²

Abstract



"Yasin Dhirir" is a narrator whose specific trustworthiness has not been explicitly confirmed in the major works of rijal (the study of narrators), leading some to question the validity of his narrations, especially in crucial jurisprudential matters such as "defining the boundaries of tawaf," "judgment based on nukul (refusal)," and "exceptions to the prohibition of riba (usury)." While certain scholars, such as Mamqani, Muhaddith Nuri, and Seyyed Musa Shubayri Zanjani, have pointed to general indicators of trustworthiness that could apply to Yasin Dhirir, there remains ambiguity regarding the foundations of his credibility and the authenticity of his narrative legacy in the context of Imami scholarship. The lack of a comprehensive and unified study that critically assesses all the valid aspects related to Yasin Dhirir's reliability has left scholars with unanswered questions. This research seeks to address these gaps by analyzing the trustworthiness and narrative contributions of Yasin Dhirir in light of both general and specific evaluations by Imami scholars. By reviewing certain general indicators of trustworthiness and applying them to Yasin Dhirir, one can potentially affirm his reliability. However, in cases where these general indicators are not accepted, a critical examination of how early scholars treated his narratives in significant legal matters suggests that if Yasin Dhirir appears in the chain of narration, and the other narrators are verified as reliable, the hadith can be considered credible, and legal rulings can be based on it. This study aims to explore the criteria for determining Yasin Dhirir's trustworthiness and the reliability of his narrative legacy through a comparative lens, examining the perspectives of Imami scholars. This analysis is achieved by describing and evaluating the rijal entries on Yasin Dhirir, relying on library research methods. The result is a comparative assessment of the foundations of his trustworthiness and an evaluation of his narrative contributions, based on how early scholars approached his reports.

Keywords: Yasin Dhirir, General Trustworthiness, Specific Trustworthiness, Narrative Legacy, Rijal Studies.

*. **Date of receiving:** 11/12/2023, **Date of approval:** 08/05/2024.

1. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; aghigh_573@yahoo.com.

2. Graduate of Level Three Seminary of Qom; Reza28534@gmail.com.



تحلیل تطبیقی مبانی وثاقت «یاسین ضریر» و ارزیابی میراث روایی او از منظر علمای امامیه *

مهدی درگاهی^۱ و رضا میرزائی کلان^۲



چکیده

«یاسین ضریر» از روایانی است که توثیق خاصی از او در کتب رجالی منعکس نشده و برخی با مجهول دانستن او، اعتبار روایاتش را زیر سؤال برده‌اند؛ حال آنکه روایات او در تعیین احکام شرعی مسائل مهمی همچون «تعیین حد مظاف»، «قضا براساس نکول»، و «استثنای حرمت ربا» تأثیرگذار است. هرچند برخی رجالیان نظیر مامقانی، محدث نوری و سیدموسی شبیری زنجانی با ذکر وجوهی از باب توثیقات عام به وثاقت او رهنمون شده‌اند، اما مبانی وثاقت «یاسین ضریر» و اعتبار میراث روایی او با نگاهی تطبیقی به نظرات علمای امامیه همچنان روشن نیست؛ زیرا تحقیقی جامع، یکپارچه و حاکی از تمامی وجوه معتبر در وثاقت «یاسین ضریر» همراه با نقد و ارزیابی تاکنون صورت نگرفته است. از این رو، پرسش از مبانی وثاقت و اعتبار میراث روایی او با نگاهی تطبیقی، مسأله‌ای است که نیازمند کاوشی عمیق تا رسیدن به پاسخی شایسته است. هرچند با بررسی برخی توثیقات عام و تطبیق آنها نسبت به «یاسین ضریر» می‌توان به وثاقت او حکم کرد، اما در فرض عدم پذیرش آن، تحلیل نحوه مواجهه قدما با میراث روایی او در مسائل مذکور نشان می‌دهد که اگر «یاسین ضریر» در سند روایتی باشد و روایان دیگر به لحاظ رجالی ثقة باشند، می‌توان براساس جمیع مبانی در پذیرش روایات ائمه علیهم‌السلام، آن حدیث را معتبر دانست و براساس آن حکم کرد. این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور مبانی وثاقت «یاسین ضریر» و اعتبار میراث روایی او با نگاهی تطبیقی به انظار علمای امامیه انجام شده است و نیل به این هدف در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های رجالی با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای ممکن می‌شود که نتیجه آن، بررسی تطبیقی مبانی وثاقت و ارزیابی میراث روایی «یاسین ضریر» در بستر نحوه مواجهه قدما با میراث روایی اوست.

واژگان کلیدی: یاسین ضریر، توثیق عام، توثیق خاص، میراث روایی، رجال.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸.

۱. استادیار گروه فقه و اصول جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران؛ Aghigh_573@yahoo.com.

۲. دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم؛ Reza28534@gmail.com.



مقدمه

«یاسین ضریر» از جمله روایانی است که اعتبار میراث روایی او به‌ویژه نزد فقیهانی که روایات را تنها با توثیق روایان سلسله سند معتبر دانسته و انجبار ضعف با شهرت عملی را قبول ندارند (خوئی، ۱۴۱۳: ۲۳۵/۱؛ طباطبائی قمی، ۱۳۷۱، ۱۳۹/۲)، و حتی نزد کسانی که انجبار را می‌پذیرند (شهید اول، ۱۴۱۹: ۲۰۸/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲: ۲۹۹/۲؛ حائری، ۱۴۱۸: ۲۰۶/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹۴/۵؛ عراقی، ۱۴۱۷: ۲۹۵/۲)، در برخی از مسائل مهم فقهی تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال، مشهور امامیه حد مظاف را در تمامی اطراف کعبه مابین بیت و مقام ابراهیم می‌دانند و مستند آن روایتی است که «یاسین ضریر» در سند آن قرار دارد (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۳۷؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶: ۲۳۳/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ۳۸۳/۱؛ ابن‌حمزه، ۱۴۰۸: ۱۷۲). در کتاب قضا نیز مسئله‌ای با عنوان «دعوی بر علیه میت» مطرح است که یکی از ادله آن، روایتی با حضور «یاسین ضریر» در سند است و فقیهان با استفاده‌های متعدد از دلالت این روایت، به جواز قضا براساس نکول اشاره کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۶/۷؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۳/۳؛ ابن‌جنید، ۱۴۲۶: ۳۲۶؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۴۴۷؛ ابن‌حمزه، ۱۴۰۸: ۲۱۴؛ حلی، ۱۴۱۰: ۴۵/۲). همچنین یکی از استثنائات ربا، عدم ربا بین زوج و زوجه است که در دو روایت آمده است: یکی مرسل جزمی شیخ صدوق در «من لا یحضره الفقیه» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۷۸/۳) و دیگری روایتی که «یاسین» در سلسله سند آن قرار دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۷/۵).

برخی فقیهان به دلیل عدم وثاقت «یاسین ضریر»، روایت او درباره محدوده طواف را معتبر نمی‌دانند (ر.ک: خوئی، ۱۴۱۸: ۴۵/۲۹) و در جواز قضا براساس نکول نیز تردید می‌کنند (خوئی، ۱۴۲۲، ۴۱ موسوعه/۲۳). همچنین به دلیل عدم پذیرش حجیت مراسلات جزمی صدوق، استثنای مذکور در باب ربا را نیز نمی‌پذیرند (خوئی، ۱۴۱۰: ۵۴/۲؛ ۱۴۲۲، ۶۰۳/۱).

با این حال، برخی در مواجهه با روایات «یاسین ضریر» در مسائل مذکور، از تعبیر «قوی کالصحیح» استفاده کرده‌اند (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۱۷۳/۶)، و برخی دیگر به تطبیق چند مورد از توثیقات عام بر او اشاره داشته‌اند (هامقانی، بی‌تا، ۳۰۷/۳؛ نوری، ۱۴۱۷: ۳۷۵/۵؛ شبیری، بی‌تا، ۶۳/۱۴). باین‌وجود، پژوهشی موسع و مستقل درباره وثاقت «یاسین ضریر» و اعتبار میراث روایی او با بررسی و ترسیم وجوه توثیقات عام، ارزیابی اعتبار این وجوه، و تحلیل رویات او در مسائلی فقهی مذکور تاکنون منعکس نشده است. از این رو، پرداختن به این موضوع در این مقاله ضرورت دارد.

برای این منظور، ابتدا باید مسائلی نظیر تاریخ وفات، مذهب، و صاحب کتاب بودن او در بخش «شخصیت‌شناسی» و بازشناسی طبقه راوی در بخش «اساتید و شاگردان» او بررسی شود. سپس باید

ارزیابی شود که آیا توثیقات عامی که مطرح شده‌اند یا قابل طرح هستند، شامل «یاسین ضریر» می‌شوند یا خیر. در نهایت، احادیث او در مسائل فقهی مذکور تحلیل و اعتبارسنجی خواهد شد.

الف. شخصیت‌شناسی

بر اساس گزارش‌های منابع رجالی، یاسین ضریر از روات اهل بصره است که در زمانی که در بصره بود، با امام کاظم علیه السلام ملاقات کرده و از او روایت نقل کرده است. او در حرفه روغن‌فروشی فعالیت می‌کرده و صاحب کتاب نیز بوده است. نجاشی از طریق محمد بن علی، از احمد بن محمد بن یحیی، از محمد بن عیسی بن عبید، کتاب او را نقل کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۵۳) و شیخ طوسی نیز از طریق ابن بابویه، از پدرش و محمد بن حسن، از سعد و حمیری، از محمد بن عیسی (طوسی، بی تا، ۱۸۳).

نام پدر، مذهب و تاریخ ولادت و وفات یاسین در منابع رجالی ذکر نشده است، اما محمد بن عیسی، که از روات امام جواد علیه السلام است، طبق نقل نجاشی از «نصر بن صباح»، در سن کم از حسن بن محبوب روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۴). حسن بن محبوب نیز به نقل کشی، در سال ۲۲۴ هجری درگذشته است (کشی، ۱۴۹۰: ۵۸۴). با توجه به این نکات، می‌توان نتیجه گرفت که یاسین ضریر تا سال ۲۲۴ هجری قمری زنده بوده است. همچنین با در نظر گرفتن تاریخ شهادت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ هجری، می‌توان به این نتیجه رسید که یاسین در زمان امام رضا علیه السلام زنده بوده و محمد بن عیسی در زمان امامت امام جواد علیه السلام از او روایت کرده است.

درباره مذهب یاسین ضریر، می‌توان با توجه به سه دلیل به امامی بودن او اطمینان یافت: نجاشی و طوسی در ترجمه یاسین، او را به عنوان فردی امامی معرفی کرده‌اند. هدف نجاشی در مقدمه کتاب خود، جمع‌آوری کتب و مصنفات شیعه امامیه بوده است و اگر کتابی از غیر شیعه امامی نقل می‌کرده، مذهب نویسنده را بیان می‌کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳). طوسی نیز در کتاب فهرست خود به همین نحو عمل کرده است (طوسی، بی تا، ۱). تأیید این موضوع ذکر نام یاسین ضریر در کتاب رجال ابن داود در بخش ممدوحین است (ابن داود، ۱۳۸۳: ۳۷۰).

ابن شهر آشوب در کتاب «معالم العلماء» که نوعی تکمله بر فهرست طوسی است، یاسین ضریر را به عنوان صاحب کتاب ذکر کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

در برخی از روایات، یاسین ضریر به ظلم خلیفه اول و دوم در حق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اشاره کرده و برخی از این روایات را نشانه‌ای بر امامی بودن او دانسته‌اند (ر.ک: مامقانی، بی تا، ۳/۳۰۷).



اساتید، شاگردان و کتب

بررسی اساتید و شاگردان یاسین ضریر از این جهت اهمیت دارد که به بازشناسی طبقه راوی و جلوگیری از تحریف در اسناد روایات او کمک می‌کند. اگرچه نجاشی گزارش کرده که یاسین امام کاظم علیه السلام را در بصره ملاقات کرده و از او روایت دارد، اما در منابع روایی موجود، هیچ روایت مستقیمی از او از امام کاظم علیه السلام به چشم نمی‌خورد.

۱. اساتید

استاد اصلی یاسین، «حریر بن عبدالله سجستانی» است که فردی ثقه بوده و بسیاری از روایات یاسین از اوست. به نظر می‌رسد این ارتباط به دلیل اشتراک شغل دو راوی در روغن‌فروشی بوده است. در روایات یاسین به جز حریر، دو روایت از «عبدالرحمن بن ابی عبدالله بصری» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۵/۷) و «عبدالله بن مسکان» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۸۰/۱۰) دیده می‌شود که هر دو نیز ثقه هستند.

۲. شاگردان

از شاگردان یاسین می‌توان به «محمد بن عیسی بن عبید» اشاره کرد که بسیاری از روایات یاسین از طریق او در منابع روایی موجود نقل شده است. کتاب یاسین نیز از طریق او به دست نجاشی و شیخ طوسی رسیده است. «نوح بن شعیب نیشابوری» نیز از دیگر شاگردان یاسین است که تنها دو روایت از یاسین توسط او در منابع روایی موجود ثبت شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴۱/۱؛ ۳۰۰/۴). در برخی روایات، «حریر بن عبدالله» از یاسین روایت نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۱/۴) که ممکن است این احتمال را بدهد که حریر از شاگردان یاسین ضریر بوده است. اما با توجه به اینکه یاسین ضریر از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام بوده و روایت مذکور از امام باقر علیه السلام است، چنین نسبتی بعید به نظر می‌رسد.

در نهایت، می‌توان گفت که «حریر بن عبدالله» و «عبدالرحمن بن ابی عبدالله» از اساتید یاسین و هر دو ثقه بوده‌اند. «محمد بن عیسی بن عبید» نیز ثقه است، ولی در مورد «نوح بن شعیب» هیچ توثیقی وجود ندارد، مگر اینکه با «نوح بن شعیب بگدادی» یکی دانسته شود.

۳. بررسی کتاب

نجاشی و شیخ طوسی «یاسین ضریر» را به‌عنوان صاحب کتاب معرفی کرده‌اند. در نقل نجاشی، عبارت «صنف الکتاب المنسوب الیه» به کار رفته است که نشان می‌دهد کتاب یاسین به «کتاب یاسین

ضریر» مشهور بوده است. استفاده از واژه «المنسوب الیه» حاکی از شهرت کتاب است، مشابه ترجمه محمد بن ابی عمر الطیب که کتاب دیات او به «کتاب دیات ظریف بن ناصح» مشهور است، با اینکه ظریف تنها راوی کتاب بوده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۰۰).

برخی ممکن است از واژه «المنسوب الیه» برداشت کنند که نجاشی در انتساب کتاب به یاسین تردید دارد؛ اما این برداشت نادرست است. تعبیر «صنف» در کلام نجاشی به معنای تصنیف کتاب توسط یاسین است و این موضوع نزد نجاشی قطعی بوده است. این تعبیر همچنین در ترجمه عبیدالله بن علی حلبی توسط نجاشی به کار رفته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۰)، و برخی اندیشمندان معاصر نیز معتقدند که «المنسوب الیه» به معنای منسوب بودن کتاب به یاسین یا حلبی و نه کس دیگری است (مددی، ۱۳۹۳). البته نجاشی در مورد کتاب «اصفیاء» علی بن فضال نیز از «المنسوب» استفاده کرده و از مشایخ خود نقل می‌کند که انتساب کتاب به او صحیح نیست (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۸). بنابراین، واژه «المنسوب» به تنهایی دلالت بر تردید ندارد و در این مورد خاص نجاشی از واژه «موضوع» برای بیان عدم انتساب استفاده کرده است.

با اینکه نجاشی و شیخ طوسی پس از معرفی یاسین به عنوان صاحب کتاب، به موضوع خاصی از کتاب او اشاره نکرده‌اند، اما با بررسی روایات موجود در کتب روایی، می‌توان دریافت که کتاب یاسین شامل ابواب مختلفی از قبیل طهارت، صوم، حج، قضاء و موضوعات دیگر بوده است.

ب. توثیقات عام

در برخی از کتب رجالی متأخر، به برخی وجوه توثیق عام برای «یاسین ضریر» اشاره شده است. تحلیل و ارزیابی این وجوه یا وجوه متصور برای اثبات توثیق عام او به شرح زیر است:

۱. تجمیع امارات

محدث نوری در «خاتمه المستدرک» وثاقت «یاسین ضریر» را محتمل دانسته، اگرچه در نهایت خبر او را حسن می‌داند. دلیل محدث نوری جمع بین امارات است:

الف. معرفی به عنوان صاحب کتاب: نجاشی و شیخ طوسی یاسین را به عنوان صاحب کتاب معرفی کرده‌اند و هیچ ضعفی نسبت به او ذکر نکرده‌اند.

ب. نقل روایت از یاسین ضریر توسط راویان برجسته: راویانی چون «احمد بن محمد بن عیسی»، «سعد بن عبدالله» و «علی بن ابراهیم» از یاسین ضریر نقل روایت کرده‌اند (محدث نوری، ۱۴۱۷: ۳۷۵/۵). حتی ممکن است گفته شود که نقل روایت احمد بن محمد بن عیسی به تنهایی برای اثبات



وثاقت یاسین کافی است، زیرا شواهد متعددی در کتب رجالی وجود دارد که اثبات می‌کند احمد بن محمد بن عیسی در اخذ حدیث بسیار سخت‌گیر بوده است. او معمولاً فقط از راویان موثق روایت می‌کرد و این امر حتی در صورت اکثر روایت از یک راوی نیز صدق نمی‌کند.

محدث نوری به سخت‌گیری‌های احمد بن محمد بن عیسی در اخذ حدیث اشاره کرده است، مانند بدگمانی او به «یونس بن عبدالرحمان»، عدم روایت از «حسن بن محبوب» به دلیل تردید در روایت او از «ابو حمزه ثمالی»، و حتی اخراج «احمد بن محمد برقی» از قم به دلیل روایت از افراد ضعیف. هرچند او بعداً این افراد را بخشید و برخی را دوباره پذیرفت (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۱۴).

بنابراین، اگر احمد بن محمد بن عیسی از یاسین ضریر روایت کرده باشد، به دلیل سخت‌گیری او در اخذ حدیث، این امر می‌تواند دلیلی بر وثاقت یاسین ضریر باشد.

نقد توثیق بر اساس روایت احمد بن محمد بن عیسی:

اما این وجه از وثاقت یاسین ضریر دارای اشکالاتی است:

روایت احمد بن محمد بن عیسی از راویان ضعیف: گرچه احمد بن محمد بن عیسی در اخذ حدیث سخت‌گیر بوده است، ولی از برخی راویان ضعیف نیز روایت کرده است. به عنوان مثال، او چندین روایت از «الحسن بن العباس بن الحریش» دارد که نجاشی او را «ضعیف جدا» توصیف کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۶۰).

تحریف در اسناد: همچنین در برخی موارد نقل روایت احمد بن محمد بن عیسی از یاسین ضریر صحیح نیست و در اسناد، تحریف رخ داده است. محدث نوری نیز اشاره کرده که نقل روایت علی بن ابراهیم از یاسین ضریر معهود نیست و روایت سعد بن عبدالله از یاسین هم به صورت مستقیم وجود ندارد، بلکه همیشه از طریق «محمد بن عیسی» واسطه شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۰/۱؛ ۲۹۴/۲؛ ۳۷۱/۵).

بنابراین، تنها قرینه‌ای که می‌توان به آن استناد کرد، عدم ذکر طعن در کتب رجالی نسبت به یاسین ضریر است. این امر به تنهایی برای اثبات وثاقت او کافی نیست، زیرا عدم ذکر ضعف در منابع رجالی لزوماً به معنای تأیید وثاقت نیست و نیاز به شواهد مثبت بیشتری دارد.

۲. نظریه تسری توثیقات نجاشی از راوی به مشایخ او

برخی معاصران استدلال کرده‌اند که اگر نجاشی فردی را توثیق کند و در توصیف او از تعبیر «پروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل» استفاده نکند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۶۲؛ ۷۶؛ ۳۴۸)، این اطلاق توثیق نجاشی دلالت دارد بر اینکه اگر راوی از شیخ خود تعداد زیادی روایت نقل کند، شیخ او نیز ثقه است.

به عبارت دیگر، روش نجاشی به این صورت است که اگر راوی را توثیق کند و آن راوی تعداد زیادی روایت از شیخ خود نقل کند و آن شیخ ضعیف باشد، نجاشی در توصیف راوی از عبارت «یروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل» استفاده می‌کند. بنابراین، اگر راوی تعداد زیادی روایت از شیخ خود نقل کند و نجاشی او را مطلقاً ثقه بداند و این تعبیر را در حق او به کار نبرد، توثیق راوی دلالت بر توثیق شیخ او نیز دارد. البته این استدلال زمانی قابل اعتماد است و موجب توثیق شیخ راوی می‌شود که قدحی در مورد شیخ راوی وارد نشده باشد.

در کتاب نجاشی، موارد متعددی وجود دارد که او یک راوی را به طور مطلق توثیق کرده اما شیخ او را فقط به عنوان صاحب کتاب معرفی کرده است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر شیخ نزد نجاشی ثقه بوده، چرا نجاشی به توثیق او تصریح نکرده است؟ در پاسخ به این سؤال گفته شده که کتاب نجاشی، یک کتاب فهرست است و نجاشی ملزم به توثیق همه افراد نبوده است؛ به همین دلیل، برخی راویان را توثیق نکرده، در حالی که دیگران همان راوی را توثیق کرده‌اند (ر.ک: محمدی قانعی، ۱۳۹۹).

شایان ذکر است که تفاوت این بیان با اکتار روایت اجلاء در این است که اکتار روایت اجلاء، بیانگر اعتماد اجلاء به استادشان است که به تبع، وثاقت استاد را اثبات می‌کند؛ در حالی که در این روش، وثاقت راوی از شهادت نجاشی به دست می‌آید.

با توجه به تحلیل مذکور، می‌توان این استدلال را در مورد «یاسین ضریر» نیز به کار برد. زیرا نجاشی در توصیف «محمد بن عیسی بن عبید» می‌نویسد: «جلیل فی اصحابنا، ثقه عین، کثیر الروایه، حسن التصانیف» و از تعبیر «یروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل» استفاده نکرده است. بنابراین، از آنجا که راوی کتاب یاسین ضریر، «محمد بن عیسی بن عبید» است، اگر یاسین ضریر فرد ضعیفی بود، نجاشی باید او را با عبارت «یروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل» توصیف می‌کرد، در حالی که چنین نکرده است. مورد دیگر «عقبه بن خالد الاسدی» است؛ نجاشی توثیق خاصی برای او ذکر نکرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۹۹). اما راوی از او «علی بن عقبه» است که کتاب پدرش را نقل کرده و نجاشی او را «ثقه ثقه» توصیف کرده است؛ این توثیق دلالت دارد بر اینکه شیخ او (= پدرش) نیز ثقه است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۷۱).

با این حال، کلیت تحلیل مذکور و قاعده مستفاد از آن صحیح نیست و در نتیجه، توثیق یاسین ضریر را نیز ثابت نمی‌کند. زیرا موارد متعددی در کتاب نجاشی وجود دارد که نجاشی راوی را توثیق کرده و او را با «یروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل» توصیف نکرده است، در حالی که آن راوی از شیخ خود روایات متعددی دارد و نجاشی آن شیخ را ضعیف می‌داند.



به‌عنوان نمونه:

نجاشی در توصیف «محمد بن الحسین بن ابی الخطاب» می‌نویسد: «جلیل من اصحابنا، عظیم القدر، کثیر الروایه، ثقہ عین، حسن التصانیف، مسکون الی روایتہ» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۴). این راوی روایت‌های زیادی از «موسی بن سعدان الحنط» دارد که نجاشی او را ضعیف در حدیث می‌داند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۰۴). همچنین از «محمد بن اسلم الطبری الجبلی» روایت‌های متعددی دارد که نجاشی او را عالی و فاسد در حدیث می‌داند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۶۸).

نجاشی در توصیف «علی بن ابی القاسم عبدالله بن عمران البرقی» می‌نویسد: «ثقة، فاضل، فقیه، ادیب» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۱). او تعداد زیادی روایت از «ابراهیم بن اسحاق ابواسحاق الاحمری النهاوندی» دارد که نجاشی او را ضعیف و متهم می‌داند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۹).

این وضعیت در خصوص مشایخ «احمد بن محمد بن عیسی الاشعری»، «محمد بن یحیی العطار» و «علی بن محمد بن ابراهیم بن لیان الرازی الکلبینی» نیز دیده می‌شود؛ یعنی، این قاعده در این موارد نیز باید مشایخ راوی‌ها را ثقہ بدانند، اما نجاشی برخی از این مشایخ را تضعیف کرده است. بنابراین، قاعده مطرح‌شده برای توثیق مشایخ راویان ثقہ در کتاب نجاشی معتبر نیست؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، این قاعده در خود کتاب نجاشی موارد نقض متعددی دارد

۳. ذکر یاسین ضریر در ممدوحین و عدم قدح در کتب رجال رجالی

مامقانی از جمله رجالیانی است که به وثاقت «یاسین ضریر» قائل است و معتقد است می‌توان به روایات او عمل کرد. او پس از ذکر دلایلی بر امامی بودن «یاسین ضریر»، قرآنی برای توثیق او بیان کرده است:

الف. ابن داود در کتاب رجال خود، «یاسین ضریر» را در باب ممدوحین ذکر کرده که نشان از اعتماد او به «یاسین ضریر» دارد (ابن داود، ۱۳۸۳: ۳۷۰). این بیان می‌تواند به عنوان دلیلی مستقل نیز مطرح شود؛ زیرا ابن داود در مقدمه کتاب خود می‌گوید: «بدات بالموثقین و اخرت المجروحین؛ ابتدا افراد ثقہ را ذکر می‌کنم و سپس افرادی که دارای جرح هستند». این تعبیر دلالت دارد بر اینکه افراد مذکور در باب ممدوحین، ثقہ هستند؛ هرچند ابن داود نسبت به برخی، به صراحت توثیق را ذکر کرده و نسبت به برخی دیگر چنین تصریحی ندارد (ابن داود، ۱۳۸۳: ۱).

ب. مؤید دیگری برای ثقہ بودن «یاسین ضریر» این است که محقق وحید از دایی خود (= مجلسی دوم) نقل کرده که روایات «یاسین ضریر» را حسن می‌داند.

ج. محقق داماد معتقد است اگر در کلام رجالیان، مدح و ذمی نسبت به «یاسین ضریر» نیامده باشد، همین کافی است که گفته شود روایت «یاسین ضریر» قوی است (مامقانی، بی‌تا، ۳/۳۰۷).

با این حال، قراین مذکور دلالتی بر توثیق «یاسین ضریر» ندارند؛ زیرا:
الف. ابن داود در مقدمه کتابش تصریح کرده که کتاب او گردآوری نظرات رجالیان متقدم است و خودش کسی را توثیق نمی‌کند. اگر گفته شود که ابن داود با ذکر راوی در باب ممدوحین، «یاسین ضریر» را ثقة می‌داند، در نهایت توثیق او اجتهادی خواهد بود.

ب. حتی اگر توثیقات ابن داود پذیرفته شود، اشکال این است که او تصریح به توثیق «یاسین ضریر» نکرده است. هرچند در مقدمه کتاب از عبارت «بدات بالموثقین» استفاده کرده، این تعبیر به این معنا نیست که اگر ابن داود تصریح به وثاقت راوی نکند، از نظر او ثقة است. بلکه نهایتاً دلالت بر این دارد که راوی نزد او ممدوح است. شاهد بر این امر، عنوان باب «الجزء الاول من الكتاب فی ذکر الممدوحین و من لم يضعفهم الاصحاح فیما علمته» است.

ج. نقل محقق وحید از مجلسی دوم صحیح نیست؛ زیرا مجلسی دوم در «مرآة العقول» و «ملاذ الاخبار» نسبت به روایاتی که در آنها «یاسین ضریر» قرار دارد، تعبیر «مجهول» را به کار برده است (مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۵۱۹/۱۲؛ ۱۴۰۶: ۱۱۷/۷).

د. عدم ذکر مدح و قدح درباره یک راوی دلالتی بر «قوی» بودن روایت او ندارد؛ بلکه عدم تعرض نسبت به مدح و ذم، نشان‌دهنده مهمل بودن اوست. هرچند نجاشی و شیخ طوسی «یاسین ضریر» را صاحب کتاب معرفی کرده‌اند و عدم تعرض به مذهبش، نشان‌دهنده امامی بودن اوست، اما این امر دلالتی بر قوی بودن روایاتش ندارد.

در نتیجه، دلایل مطرح‌شده توسط مامقانی دلالتی بر توثیق «یاسین ضریر» ندارد. البته می‌توان از کلام ابن داود استفاده کرد که او فردی ممدوح است. بر این اساس، اگر «یاسین ضریر» در سلسله سند حضور داشته باشد و باقی روایت ثقة باشند، آن روایت «حسنة» خواهد بود.

۴. دلیل انحصاری فتوا و تکرار روایت، بدون قدح راوی

آیت‌الله شبیری زنجانی دو دلیل برای توثیق «یاسین ضریر» ارائه کرده‌اند:

یک. بیان روایت به‌عنوان دلیل انحصاری فتوا

کلینی در مقدمه کتاب کافی به صحت روایات خود اعتقاد دارد و از سوی دیگر، او رجالی نیز هست (شبیری، بی‌تا، ۱۱/۲۳۹). نجاشی نیز یکی از کتاب‌های کلینی را «کتاب رجال» ذکر کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ۳۷۷). اگر کلینی در کتاب کافی، در یک باب خاص تنها به یک روایت استناد کرده باشد و همه راویان سند، به جز «یاسین ضریر»، ثقة باشند و هیچ مشکلی در دلالت روایت وجود



نداشته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که «یاسین ضریر» نیز ثقه است. زیرا کلینی به دلیل اعتماد به وثاقت این راوی، روایت باب را به‌طور انحصاری به آن استناد کرده است.

شیرینی زنجانی روایات کتاب کافی را به چند دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. روایات اعتقادی که موید حکم عقل نظری است؛

۲. روایات اخلاقی که موید حکم عملی است؛

۳. روایات در باب مستحبات که به دلیل قاعده تسامح در ادله سنن، روایات ضعیف را نیز

می‌پذیرند؛

۴. روایات الزامی در فروع که روایات صحیح دیگری نیز وجود دارد؛

۵. ذکر انحصاری یک روایت الزامی در فروع، که نشانه اعتماد کلینی به راویان سلسله سند است

(شیرینی، بی‌تا، ۶۳/۱۴).

در «باب حد موضع الطواف» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۴۱۳) و «باب من ادعی علی المیت» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۴۱۵)، کلینی تنها یک روایت ذکر کرده است که «یاسین ضریر» در سلسله سند آن حضور دارد و سایر راویان ثقه هستند. این امر نشان‌دهنده اعتماد کلینی به وثاقت «یاسین ضریر» است. همچنین، اکثر فقیهان با وجود اختلاف در مبانی رجالی، به هر دو روایت عمل کرده‌اند (شیرینی، بی‌تا، ۱۱۳۵/۲).

شیخ صدوق نیز در کتاب «من لا یحضره الفقیه» در «باب الحکم بالیمین علی المدعی علی المیت حقا بعد اقامه البینه» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۶۳) تنها به یک روایت که «یاسین ضریر» در سند آن استناد کرده است. این نشان می‌دهد که او نیز به وثاقت «یاسین ضریر» باور داشته، زیرا او نیز رجالی بوده و در پذیرش حدیث سخت‌گیر بوده است (شیرینی، بی‌تا، ۸۷۸/۳).

ممکن است این استناد به اصاله العداله یا وجود قرینه خارجی باشد، اما این احتمال بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا کلینی و شیخ صدوق هر دو رجالی و سخت‌گیر بودند، و اینکه همه فقیهان بر اساس قرائن خارجی به روایات عمل کرده باشند، نیاز به اثبات دارد.

دو. تکرار روایت راوی در کتب روایی بدون ایراد قدح

آیت‌الله شیرینی زنجانی معتقد است اگر روایات یک شخص به‌صورت مکرر در کتاب‌هایی مانند کافی نقل شود و مورد فتوا قرار گیرد، و جرحی نسبت به او در کتب رجالی موجود نباشد، این نشانه اعتماد فقیهان به اوست و به دلیل وثاقت او به روایاتش عمل شده است. بنابراین، وجود قرینه خاصه در تک تک موارد، بعید به نظر می‌رسد (شیرینی، بی‌تا، ۶۳/۱۴). همچنین، شیرینی می‌گوید که شیخ طوسی

و شیخ صدوق در تهذیب، استبصار و من لا یحضره الفقیه اگر نسبت به روایات مناقشه‌ای داشتند، مطرح می‌کردند و عدم مناقشه آن‌ها نسبت به روایتی که یکی از روایانش توثیق خاص ندارد، نشانه اعتماد آنان به آن راوی است (شبیری، بی‌تا، ۳۴۱/۹).

از آنجا که روایات «یاسین ضریر» با وجود ثقه بودن سایر راویان، به صورت مکرر در کتاب‌های کافی، تهذیب و استبصار آمده و مورد فتوا قرار گرفته است، و هیچ قدحی نسبت به او وارد نشده، این امر نشان‌دهنده اعتماد به وثاقت او است. همچنین، اینکه نسبت به تمامی این روایات قرینه خارجی وجود داشته باشد، بعید است.

از ترکیب دو دلیل ارائه‌شده توسط آیت‌الله شبیری زنجانی، می‌توان به وثاقت «یاسین ضریر» اطمینان یافت. حتی اگر این اطمینان کامل حاصل نشود، این دلایل مؤید وثاقت او هستند.

سه. اکثر روایت «محمد بن عیسی بن عبید» از «یاسین ضریر»

یکی از دلایل توثیق که سید موسی شبیری زنجانی و دیگران آن را پذیرفته‌اند، اکثر روایت اجلاء از یک راوی است (شبیری، بی‌تا، ۳۵۵/۳؛ استرآبادی، ۱۴۲۲، ۱۴۵/۱). این بدان معناست که تعداد زیاد روایت‌های یک راوی از اجلاء، ملاک نیست؛ بلکه حتی اگر یک راوی جلیل‌القدر هم به‌طور مکرر از کسی روایت کند، این خود دلیل بر وثاقت آن راوی است (شبیری، بی‌تا، ۵۸۷/۶؛ استرآبادی، ۱۴۲۲، ۱۴۵/۱). با این حال، برخی شروط برای اعتبار این نوع توثیق ذکر شده است که به شرح زیر است: ۱. اکثر روایات باید در موضوعات الزامی باشد و اکثر روایت در مسائل مستحب و اعتقادی دلیل بر وثاقت نیست (شبیری، بی‌تا، ۲۵۸/۱۰)؛ ۲. راوی باید به تعبیراتی مانند «یروی عن المجاهیل» یا «یعتمد علی المراسیل» نپرداخته باشد (شبیری، بی‌تا، ۳۴۱/۱). ۳. اکثر روایت باید از سوی راوی جلیل‌القدر باشد، زیرا قدا به اصل عدالت اعتقادی نداشتند و نقل روایت از ضعف توسط جلیل‌القدر، نقطه ضعف محسوب می‌شده است. ۴. هیچ قدحی نسبت به راوی‌ای که از او اکثر روایت شده، وارد نشده باشد (شبیری، بی‌تا، ۳۴۱/۱).

مقدار خاصی برای اکثر مدنظر نیست؛ بلکه تعداد روایات باید به اندازه‌ای باشد که راوی، او را به عنوان شیخ خود پذیرفته و به وثاقت او استناد کند (شبیری، ۱۴۰۲، ۳۹۷). شاهد بر اینکه ملاک در اکثر، اعتماد راوی به شیخ خود است و تعداد روایات فروع الزامی اهمیت ندارد، این است که آیت‌الله شبیری توثیق علی بن محمد بن شجاع نیشابوری را از باب اکثر روایت جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی و عیاشی و علی بن مهزیار پذیرفته است، در حالی که روایات عیاشی فقط سه روایت از علی بن محمد دارد که مربوط به فروع الزامی نیست و در کتاب «کمال الدین» آمده است، و جعفر بن احمد



یازده روایت از علی بن محمد در «رجال کشی» دارد و روایات الزامی جعفر بن احمد و علی بن مهزیار از علی بن محمد حدود پنج مورد است (شبیری، بی تا، ۸۸۰/۲).

این قاعده در مورد «یاسین ضریر» نیز صادق است؛ زیرا در کتب رجالی هیچ قدحی نسبت به یاسین وارد نشده و «محمد بن عیسی بن عبید»، که از اجلاء روات است، تعداد قابل توجهی روایت از او نقل کرده است. محقق خوئی بیان داشته که یاسین ضریر در سند بیست و سوم روایت قرار گرفته است (خوئی، بی تا، ۱۴/۲۱)، و آیت‌الله شبیری ۱۴ یا ۱۵ مورد از این روایات را مربوط به فروع الزامی دانسته است (شبیری، بی تا، ۶۳/۱۴). همچنین، به نقل از نجاشی و شیخ طوسی، راوی کتاب یاسین نیز محمد بن عیسی است و این نشان‌دهنده اعتماد راوی به شیخ خود است.

ممکن است این پرسش مطرح شود که «محمد بن عیسی بن عبید» از اجلاء نبوده و اکثراً روایت او دلیل بر وثاقت یاسین نیست؛ زیرا نجاشی در ترجمه «محمد بن احمد بن یحیی» نوشته است که «ابن ولید» کتاب نوادر «محمد بن یحیی» را به دلیل مشکلات سندی تصحیح کرده است. ابن ولید در این کتاب مواردی را به عنوان استثنا ذکر کرده که نتیجه آن عدم پذیرش روایات مستثنی شده است. یکی از این استثنائات روایات «محمد بن عیسی بن عبید» با اسناد منقطع است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۴۸). از طرف دیگر، شیخ طوسی در کتاب فهرست (طوسی، بی تا، ۱۴۰) و رجال (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۹۱) به ضعف «محمد بن عیسی بن عبید» اشاره کرده و گفته است که ابن ولید او را از کتاب نوادر الحکمه استثنا کرده و این استثنا دلیل بر ضعف اوست. همچنین، شیخ طوسی در برخی موارد تصریح کرده که اسناد منقطع منفرد «محمد بن عیسی» صحیح نیست (طوسی، بی تا، ۱۴۵) و در موارد دیگر بیان کرده که به طور کلی منفردات «محمد بن عیسی» صحیح نیست (طوسی، بی تا، ۱۴۱).

بر اساس این تضعیف‌ها و استثناهای ابن ولید، به نظر می‌رسد که «محمد بن عیسی بن عبید» از روات ثقه نیست و اکثراً روایت اجلاء نمی‌تواند دلیلی بر توثیق شیخ او باشد. با این حال، نجاشی پس از نقل استثنائات ابن ولید در کتاب نوادر الحکمه، تصریح کرده که کلام ابن ولید درباره «محمد بن عیسی بن عبید» صحیح نیست و «ابو العباس بن نوح» نیز معتقد است که ابن ولید در مورد «محمد بن عیسی» اشتباه کرده و او فرد ثقه‌ای است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۴۸). علاوه بر این، نجاشی در توصیف «محمد بن عیسی» نوشته است: «جلیل فی اصحابنا، ثقه، عین، کثیر الروایه، حسن التصانیف؛ او جلیل‌القدر، ثقه و عین است و روایت‌های زیادی دارد و مصنفاتش نیکو است» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۳).

علاوه بر این، راویان بزرگی مانند «علی بن ابراهیم»، «محمد بن صفار»، «احمد بن محمد بن عیسی» و «سعد بن عبدالله» تعداد زیادی روایت از «محمد بن عیسی» نقل کرده‌اند؛ اگر او فرد ضعیفی بود، جا نداشت که راویان ثقه از او روایت نقل کنند. همچنین، محقق خوئی معتقد است که تضعیف «ابن ولید» مربوط به «محمد بن عیسی» نیست بلکه تنها به روایات منقطع و روایاتی که او به نحو منفرد از «یونس بن عبد الرحمن» نقل کرده، مربوط است. در غیر این موارد، ترک عمل به روایات «محمد بن عیسی» معهود نیست و شیخ صدوق در موارد متعددی به روایات غیر از یونس از «محمد بن عیسی» عمل کرده است (خوئی، بی تا، ۱۱۹/۱۸). اخیراً برخی به تفصیل به بررسی وثاقت «محمد بن عیسی» و نقد تضعیف‌های شیخ طوسی پرداخته‌اند و نتایج آن در مقالات علمی منتشر شده است (حسینی/الطفی پور، ۱۴۰۲).

در نتیجه، قبح وارد شده به «محمد بن عیسی بن عبید» صحیح نیست و بر اساس شهادت نجاشی، او جلیل‌القدر و ثقه است. با توجه به این که او تعداد زیادی روایت از «یاسین ضریر» نقل کرده و خود راوی کتاب او است، می‌توان بر اساس اکتار روایت اجلاء، به وثاقت «یاسین ضریر» حکم داد.

ب. تحلیل و ارزیابی میراث روایی یاسین ضریر

در مباحث پیشین ذکر شد که مشهور روایات یاسین ضریر را پذیرفته‌اند. برای روشن شدن این موضوع، سه روایت منحصر به فرد او بررسی می‌شود تا صحت این ادعا مشخص گردد.

۱. حد مطاف

کلینی در باب «حد موضع الطواف» تنها به روایت محمد بن مسلم استناد کرده است که در سلسله سند آن یاسین ضریر قرار دارد. مفاد این روایت این است که حد طواف بین بیت و مقام است و طواف خارج از این حد صحیح نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۱۳۴). با توجه به اینکه کلینی در کتاب کافی تنها به این روایت استناد کرده، می‌توان نتیجه گرفت که او معتقد است طواف باید بین بیت و مقام انجام شود. شیخ طوسی در نهاییه (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۳۷)، قاضی ابن براج (ابن براج، ۱۴۰۶: ۱/۲۳۳)، طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۰: ۱/۳۸۳)، ابن حمزه (ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۱۷۲)، سید ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۱۷۲)، ابن ادریس (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/۵۷۲) و یحیی بن سعید (کیدری، ۱۴۱۶: ۱۵۵) نیز این نظر را پذیرفته‌اند. شیخ طوسی در کتاب خلاف تصریح کرده است که طواف باید بین بیت و مقام باشد و دلیل این حکم احتیاط است (طوسی، ۱۴۰۷: ۲/۳۲۴).



شیخ صدوق در «من لا یحضره الفقیه» در باب «ما جاء فی الطواف خلف المقام»، فقط به صحیح حلی استناد کرده است که بر اساس آن، طواف باید بین بیت و مقام باشد و در صورت ضرورت، طواف خارج از حد معین شده نیز صحیح است (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۹۹/۲). ابن جنید نیز بر اساس صحیح حلی معتقد است که در فرض ضرورت، طواف خارج از محدوده تعیین شده صحیح است (ابن جنید، ۱۴۱۶: ۱۳۶). البته این روایت با روایت قبلی تعارض ندارد بلکه حکم فرض ضرورت را بیان می‌کند. ابن ابی عقیل، شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالصلاح حلی و سلار به حد طواف پرداخته‌اند و تنها تصریح کرده‌اند که مکلف باید هفت دور طواف انجام دهد.

نتیجه اینکه تا پیش از شیخ طوسی، تنها کلینی معتقد به طواف بین بیت و مقام بود و سایر فقیهان، به غیر از شیخ صدوق و ابن جنید، به حد طواف توجه نکرده بودند. بنابراین، احتمالاً گفته شود که مشهور قدما قبل از شیخ طوسی از روایت یاسین اعراض کرده‌اند، اما این بیان صحیح نیست. عدم تعرض مشهور قدما به حد طواف دلیل بر اعراض نیست و اعراض زمانی محقق می‌شود که قدما برخلاف روایت یاسین حکم داده باشند.

۲. دعوای بر علیه میت

کلینی و شیخ صدوق در مسأله «دعوی بر علیه میت» معتقدند که مدعی علاوه بر اقامه بینه، باید قسم نیز بخورد و تنها دلیل این مطلب روایت «عبدالرحمن بن ابی عبدالله» است که در سلسله سند آن یاسین ضریر قرار دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۱۶/۷؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۳/۳). ابن جنید (ابن جنید، ۱۴۲۶: ۳۲۶)، ابوالصلاح (حلی، ۱۴۰۳: ۴۴۷)، شیخ طوسی در نهاییه و مبسوط (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۰۸؛ ۱۳۸۷: ۳۳۴/۸)، ابن حمزه (ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۲۱۴)، ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰: ۴۵/۲) و یحیی بن سعید (کیدری، ۱۴۰۵: ۲۸۵) نیز به این حکم قائل‌اند. برخی فقیهان، مانند شیخ طوسی، دلیل مسأله را به روایت اشاره نکرده‌اند و به وجوه عقلی تمسک کرده‌اند. به غیر از فقیهان مذکور، قدما به این مسأله پرداخته‌اند.

از روایت عبدالرحمن، حکم بر اساس نکول نیز قابل استفاده است. مشهور قدما معتقدند که حاکم در صورت نکول مدعی علیه باید به نفع مدعی حکم دهد (صدوق، بی تا، ۱۳۱؛ صدوق، ۱۴۱۵: ۳۹۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۲۴؛ ابوالصلاح، ۱۴۰۳: ۴۴۷؛ سلار، ۱۴۰۴: ۲۳۱؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۴۰؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۴۴۵).

در مورد ضم یمین به بینه در دعوای بر علیه میت، علاوه بر روایت یاسین، مکاتبه صفار نیز وجود دارد که دلالت روشنی بر ضم یمین به بینه دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۴/۷). همچنین، نسبت به قضاوت بر اساس نکول می‌توان به صحیح محمد مسلم که در مورد کیفیت قسم فرد لال است (صدوق،

۱۴۱۳: ۱۱۲/۳) و عمومات «البینه علی المدعی و الیمین علی المدعی علیه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۱/۷) استدلال کرد. بر این اساس، ممکن است ادعا شود که قدما در این دو مسأله به روایت یاسین عمل نکرده‌اند و دلیل دو مسأله ادله دیگری است. این بیان صحیح نیست زیرا توثیق یاسین براساس توثیقات عام است و اعراض مشهور ثابت نمی‌کند که حکم به تضعیف او داده شده است. وجود ادله دیگر دلیل بر این نیست که اصحاب به روایت یاسین عمل نکرده‌اند.

۳. استثنائات حرمت ربا

در کتب روایی، چهار روایت وجود دارد که بر اساس آنها ربا در موارد خاصی حرام نیست: «پدر و فرزند»، «مولی و عبد»، «زوج و زوجه» و «مسلم و اهل حرب در صورتی که مسلم زیادی بگیرد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۷/۵؛ شیخ حر، ۱۴۰۹: ۱۳۵/۱۸). یکی از این روایات، روایت یاسین ضریب است که شامل سه استثنای اول می‌شود. اما طبق روایت یاسین، بین «مسلم و مشرک» ربا وجود دارد و ممکن است گفته شود که بین «مسلم و مشرک» ربا حرام نیست و هیچ فقیهی بر اساس آن فتوی نداده است. شیخ طوسی در توجیه روایت معتقد است که بین مسلم و مشرک زمانی ربا تحقق می‌یابد که مشرک از مسلمان زیادی بگیرد، اما اگر مسلمان زیادی بگیرد، ربا نیست (طوسی، ۱۳۹۰: ۷۱/۳). تفصیل دیگری که ممکن است در روایت وجود داشته باشد این است که اگر مشرک اهل ذمه باشد نمی‌توان از او زیاده گرفت، اما اگر مشرک اهل حرب باشد، می‌توان از او زیاده گرفت.

شیخ صدوق معتقد است که بین «پدر و فرزند»، «مولی و عبد»، «زوج و زوجه» و «مسلم و اهل ذمه» ربا نیست (صدوق، ۱۴۱۵: ۳۷۴). سید مرتضی نسبت به استثنائات ذکر شده در کلام شیخ صدوق ادعای اجماع کرده، اما دلیل او روایات نبوده و مهم‌ترین دلیل از نظر او اجماع است (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۴۴۱). شیخ طوسی، ابن حمزه، ابن زهره و ابن ادریس به استثنائات ذکر شده قائل هستند، با این تفاوت که در مورد «مسلم و اهل ذمه»، قائل به عدم ربا بین «مسلم و حربی» هستند و بین «مسلم و اهل ذمه» ربا نیست (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۶؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۲۵۴؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲۲۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲۵۲/۲). ابن جنید نیز عدم تحقق ربا بین پدر و فرزند را مشروط به فرضی که زیادی را پدر بگیرد می‌داند و نسبت به اهل ذمه در ممالک اسلامی، نمی‌توان از او ربا گرفت، اما در ممالک اهل حرب، می‌توان ربا گرفت (ابن جنید، ۱۴۱۶: ۱۷۱). به نظر می‌رسد تفصیل ابن جنید در مورد پدر و فرزند بر اساس تعلیل موجود در روایت یاسین است که مطابق آن، ربا بین شخص و کسی است که او مالک آن نیست و از آنجایی که فرزند مالک پدر نیست، نمی‌تواند از او زیاده بگیرد.



نتیجه این است که اختلاف بین قدما تنها در عدم تحقق ربا بین «مسلم و اهل ذمه» و «مسلم و اهل حرب» است، اما سایر استثنائات قطعی هستند و بر آنها اجماع شده است. ممکن است ادعا شود که قدما حکم به عدم ربا در استثنائات ذکر شده را از روایت یاسین استفاده نکرده‌اند و دلیل استثنا ادله دیگر است و شاهد بر این ادعا عدم فتوای قدما به عدم ربا بین «مسلم و مشرک» است. این بیان صحیح نیست؛ زیرا عدم عمل به روایت یاسین تنها یک احتمال است و وجود ادله دیگر نسبت به استثنائات ذکر شده دلیل بر این نیست که قدما به روایت یاسین عمل نکرده‌اند. از طرف دیگر، عدم ربا بین «مسلم و مشرک» نیز قابل توجیه است؛ یعنی احتمال دارد مراد از مشرک اهل ذمه باشد و به نظر جمعی از قدما بین مسلم و اهل ذمه ربا تحقق می‌یابد.

نتیجه‌گیری

بر اساس شواهد متعدد، یاسین ضریر از روایان امامیه در دوران امام کاظم علیه السلام بوده و با توجه به اینکه راوی او «محمد بن عیسی بن عبید» است، به طور قطعی در زمان امام رضا علیه السلام نیز حضور داشته است و احتمالاً در زمان امام جواد علیه السلام نیز زنده بوده است. یاسین ضریر صاحب کتابی بوده و نجاشی و طوسی هر دو به کتاب او اشاره کرده‌اند. هرچند در منابع رجالی توثیق خاصی برای او ذکر نشده، با تتبع در کتب و نظرات فقیهان امامیه، می‌توان به پنج دلیل از وجوه توثیقات عام که قابل تطبیق بر یاسین ضریر است، اشاره کرد.

در میان این دلایل، تجمیع قرائنی که محدث نوری برای وثاقت یاسین ذکر کرده، به طور کامل نیست، اما به طور کلی از عدم ورود قرح نسبت به یاسین می‌توان به ممدوح بودن او پی برد و محدث نوری نیز در پایان به همین نتیجه رسیده است. توثیقات نجاشی نسبت به مشایخ راوی، گرچه با یاسین ضریر منطبق است، اما قاعده پنداری آن به خاطر موارد نقض متعدد، مخدوش است.

یاسین ضریر هرچند در باب ممدوحین کتاب ابن داود قرار دارد و قدحی در مورد او ذکر نشده، این امر دلالتی بر ثقه بودن او ندارد و فقط به ممدوح بودن راوی دلالت می‌کند. این مقدار برای «حسنه» بودن روایت کافی است. وقوع روایت به عنوان دلیل انحصاری فتوا و تکرار روایت راوی در کتب روایی بدون ایراد قرح نسبت به آن، موجب اطمینان به وثاقت یاسین است. این اندیشه اخیراً توسط برخی صاحب‌نظران مطرح و تحلیل شده و در صورت عدم اطمینان، تأییدکننده وجه توثیق است.

اکثریت روایات اجلاء به عنوان توثیق عام یاسین، نیز از دیگر دلایل مستقل مطرح‌شده بر وثاقت او در کنار وجوه پیشین است و بر اساس دلیل انحصاری فتوا و سایر قرائن تأیید می‌شود. و در صورت عدم



پذیرش هیچ یک از این وجوه به عنوان دلیل توثیق، از آنجا که قدحی نسبت به یاسین وارد نشده است، حسنه بودن روایت یاسین قابل استفاده است. اصولاً تحلیل و ارزیابی نگرش قدما به میراث روایی یاسین نشان می دهد که اگر یاسین ضریر در سند روایتی قرار داشته باشد و راویان دیگر از نظر رجالی ثقه باشند، می توان بر اساس جمیع مبانی در پذیرش روایات ائمه علیهم السلام آن روایت را در استنباطات فقهی حجت دانست.



فهرست منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن براج، قاضی عبدالعزیز، المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۳. ابن جنید، محمد بن احمد، مجموعه فتاوی ابن جنید، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن داود، حسن بن علی، رجال ابن داود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۸۳ق.
۵. ابن زهره، حمزه بن علی حسینی، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۱۷ق.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد بن علی، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین قدیما و حدیثا، نجف اشرف: منشورات مطبعه حیدریه، ۱۳۸۰ق.
۷. ابوالصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۴۰۳ق.
۸. استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، قم: موسسه آل‌البتیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۲۲ق.
۹. تبریزی، جواد بن علی، اسس الحدود و التعزیرات، قم: دفتر مؤلف، ۱۴۱۷ق.
۱۰. تفرشی، مصطفی بن حسین، نقد الرجال، قم: موسسه آل‌البتیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۳۷۷ش.
۱۱. تفرشی، مصطفی بن حسین، اسس القضاء و الشهاده، قم: دفتر مؤلف، بی‌تا.
۱۲. حائری طباطبائی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلایل، قم: موسسه آل‌البتیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۸ق.
۱۳. حائری، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم: موسسه آل‌البتیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۶ق.
۱۴. حسینی شیرازی، سید علیرضا؛ لطفی‌پور، محمد، مجله مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۷۸، بهار ۱۴۰۲ش.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامه الحلی، نجف اشرف: منشورات مطبعه حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الاصول، قم: موسسه احیاء آثار امام الخوئی، ۱۴۱۳ق.

١٨. خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، قم: موسسه احیاء آثار امام الخوئی، ١٤٢٢ق.
١٩. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، بی نا، بی تا.
٢٠. خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعه امام الخوئی، قم: موسسه احیاء آثار امام الخوئی، ١٤١٨ق.
٢١. سلار، حمزه بن عبدالعزیز، المراسم العلویه و الاحکام النبویه فی الفقه الامامی، قم: منشورات الحرمین، ١٤٠٤ق.
٢٢. شبیری زنجانی، سید موسی، درس خارج بیع، قم: موسسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیت الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
٢٣. شبیری زنجانی، سید موسی، درس خارج خمس، قم: موسسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیت الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
٢٤. شبیری زنجانی، سید موسی، دروس خارج صوم، قم: موسسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیت الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
٢٥. شبیری زنجانی، سید موسی، دروس خارج نکاح، قم: موسسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیت الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
٢٦. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب حج، قم: موسسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیت الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
٢٧. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم: موسسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیت الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
٢٨. شبیری، سید محمد جواد، استناد، قم: انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام، ١٤٠٢ش.
٢٩. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ١٤٠٩ق.
٣٠. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٣ق.
٣١. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٣ق.
٣٢. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، المقنع، قم: موسسه امام هادی علیه السلام، ١٤١٥ق.
٣٣. طباطبائی قمی، تقی، آراؤنا فی اصول الفقه، قم: محلاتی، ١٣٧١ش.
٣٤. طبرسی، فضل بن حسن، المتلف من المختلف بین ائمه السلف، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ١٤١٠ق.
٣٥. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ١٣٧٨ق.



۳۶. طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، رجال الشیخ الطوسی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۷ق.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، نجف اشرف: المکتبه الرضویه، بی تا.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۴۲. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسیله الی نیل الفضیله، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته، ۱۴۰۸ق.
۴۳. شهید اول، محمد بن مکی، ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹ق.
۴۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، روض الجنان فی شرح الرشاد الاذهان، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۲ق.
۴۵. عراقی، ضیاء الدین، نهایه الافکار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۶. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، رجال الکشی - اختبار معرفه الرجال، مشهد: نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ق.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۸. کیدری، محمد بن حسین، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
۴۹. مامقانی، عبد الله، تنقیح المقال فی علم الرجال، بی تا، بی نا.
۵۰. مجلسی اول، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۵۱. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۵۲. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته، ۱۴۰۶ق.

۵۳. محمدی قائنی، محمد، سکوت مدعی علیه، وبسایت www.qaeninajafi.ir، 1399 ش.
۵۴. مددی، سید احمد، استنباط حکم از مبادی جعل حکم، وبسایت www.ostadmadadi.ir، 1393 ش.
۵۵. مرتضی، علی بن حسین موسوی، الانتصار فی انفرادات الامامیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۵۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۷. میرداماد، محمد باقر بن محمد، الرواشح السماویه فی شرح الاحادیث الامامیه، قم: دار الخلاف، ۱۳۱۱ ق.
۵۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی - فهرست اسماء مصنفی الشیعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۵۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۶۰. نوری، میرزا حسین، خاتمه المستدرک، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۷ ق.



Bibliography

1. Abū al-Ṣalāḥ, Taqī al-Dīn bin Najm al-Dīn, *Al-Kāfi fī al-Fiqh (The Sufficient Source in Jurisprudence)*, Isfahan: Public Library of Imam 'Alī bin Abī Ṭālib (a), 1403 AH (1982 CE).
2. Ḥā'irī Ṭabāṭabā'ī, Seyyed 'Alī bin Moḥammad, *Riyāḍ al-Masā'il fī Taḥqīq al-Aḥkām bi al-Dalā'il (The Meadows of Issues in Investigating the Rules with Evidence)*, Qom: Al-Bayt Institute, 1418 AH (1997 CE).
3. Ḥā'irī, Moḥammad bin Ismā'il, *Muntahā al-Maqāl fī Aḥwāl al-Rijāl (The Ultimate Discourse on the Conditions of Narrators)*, Qom: Al-Bayt Institute, 1416 AH (1995 CE).
4. Ḥillī, Ḥassan bin Yūsuf, *Rijāl al-'Allāmah al-Ḥillī (The The Biographical Evaluation of 'Allāmah al-Ḥillī)*, Najaf Ashraf: Hedayat Press, 1381 AH (2002 CE).
5. Ḥosseinī Shīrāzī, Seyyed 'Alī Rezā; Luṭfi-Pūr, Moḥammad, *Majallah-yi Mutālā'āt-i Qurān va Ḥadīth Safīnah*, No. 78, Spring 1402 SH (2023 CE).
6. Ibn Barraḡ, Qāḍī 'Abd al-'Azīz, *Al-Muhadhdhab (The Refined)*, Qom: Islamic Publications Office, 1406 AH (1985 CE).
7. Ibn Dāwūd, Ḥassan bin 'Alī, *Rijāl Ibn Dāwūd (The Biographical Evaluation of Ibn Dāwūd)*, Tehran: Tehran University Press, 1383 SH (2004 CE).
8. Ibn Idrīs, Moḥammad bin Manṣūr bin Aḥmad, *Al-Sarā'ir al-Hāwī li Tahrīr al-Fatāwī (The Secrets Contained in the Compilation of Legal Opinions)*, Qom: Islamic Publications Office, 1410 AH (1989 CE).
9. Ibn Junayd, Moḥammad bin Aḥmad, *Majmū'ah Fatāwā Ibn Junayd (The Collection of the Legal Opinions of Ibn Junayd)*, Qom: Islamic Publications Office, 1416 AH (1995 CE).
10. Ibn Shahrāshūb Māzandarānī, Rashīd al-Dīn Moḥammad bin 'Alī, *Ma'ālīm al-'Ulamā' fī Fahrist Kutub al-Shī'ah wa Asmā' al-Muṣannifīn Qadīmā wa Ḥadīthan (Landmarks of the Scholars in the List of Shī'ah Books and the Names of the Authors of the Past and Present)*, Najaf Ashraf: Hedayat Press, 1380 AH (2001 CE).

11. Ibn Zohra, Ḥamzah bin 'Alī Ḥosseinī, *Ghināyat al-Nuzū' ilā 'Ilmī al-Uṣūl wa al-Furū'* (*The Riches in Turning to the Sciences of Principles and Branches*), Qom: Institute of Imam Ṣādiq (a), 1417 AH (1996 CE).
12. 'Irāqī, Ḍiyā' al-Dīn, *Nihāyat al-Afkār* (*The End of Thoughts*), Qom: Islamic Publications Office, 1417 AH (1996 CE).
13. Istrābādī, Moḥammad bin 'Alī, *Manhaj al-Maqāl fī Taḥqīq Aḥwāl al-Rijāl* (*The Methodology of Discourse in Investigating the Conditions of Narrators*), Qom: Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage, 1422 AH (2001 CE).
14. Kaidarī, Moḥammad bin Ḥossein, *Aṣbāḥ al-Shī'ah bi Miṣbāḥ al-Sharī'ah* (*The Dawn of the Shī'ah with the Lantern of the Sharī'ah*), Qom: Institute of Imam Ṣādiq (a), 1416 AH (1995 CE).
15. Kashshī, Moḥammad bin 'Umar bin 'Abd al-'Azīz, *Rijāl al-Kishī - Ikhtibār Ma'rifat al-Rijāl* (*The Biographical Evaluation of al-Kashshī - Testing the Knowledge of Narrators*), Mashhad: Mashhad University Publications, 1490 AH (2067 CE).
16. Khūī, Seyyed Abū al-Qāsim, *Mabānī Takmīlat al-Minhāj* (*Foundations of the Completion of the Path*), Qom: Institute for the Revival of Imam Khūī's Works, 1422 AH (2001 CE).
17. Khūī, Seyyed Abū al-Qāsim, *Mawsū'ah Imām al-Khūī* (*Encyclopedia of Imam Khūī*), Qom: Institute for the Revival of Imam Khūī's Works, 1418 AH (1997 CE).
18. Khūī, Seyyed Abū al-Qāsim, *Minhāj al-Ṣāliḥīn* (*The Path of the Righteous*), Qom: Maḍīnah al-'Ilm Publications, 1410 AH (1989 CE).
19. Khūī, Seyyed Abū al-Qāsim, *Miṣbāḥ al-Uṣūl* (*The Lantern of Principles*), Qom: Institute for the Revival of Imam Khūī's Works, 1413 AH (1992 CE).
20. Khūī, Seyyed Abū al-Qāsim, *Mu'jam al-Rijāl al-Ḥadīth wa Taḥqīq Tabaqāt al-Rijāl* (*Dictionary of Hadith Narrators and Detailed Classification of them*), n.p., n.d.
21. Kūlāynī, Moḥammad bin Ya'qūb, *Al-Kāfi* (*The Sufficient Narration Source for Shia*), Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiyyah, 1407 AH (1986 CE).
22. Madadī, Seyyed Aḥmad, *Istinbāḥ Ḥukm min Mabādi' Ja'l Ḥukm* (*Deriving a Judgment from the Principles of Legislation*), Website: www.ostadmadadi.ir, 1393 SH (2014 CE).



23. Majlisī 'Awwal, Moḥammad Taqī, *Rawdat al-Muttaqīn fī Sharḥ Man Lā Yaḥḍuruḥu al-Faqīh (The Garden of the Pious in Explaining He Who Is Not Present with the Jurist)*, Qom: Kushānībūr Islamic Cultural Institute, 1406 AH (1985 CE).
24. Majlisī Thānī, Moḥammad Bāqir bin Moḥammad Taqī, *Malādh al-Akhhār fī Fahm Taḥḍīb al-Akhhār (Refuge of Reports in Understanding the Refinement of Reports)*, Qom: Publications of the Library of Ayatollah Mar'ashī Najafī (r.a.), 1406 AH (1985 CE).
25. Majlisī Thānī, Moḥammad Bāqir bin Moḥammad Taqī, *Mir'āt al-'Uqūl fī Sharḥ Akhhār Āl al-Rasūl (The Mirror of Minds in Explaining the Reports of the Family of the Prophet)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiyyah, 1404 AH (1983 CE).
26. Māmaqānī, 'Abd Allāh, *Tanqīḥ al-Maqāl fī 'Ilm al-Rijāl (Refinement of the Discourse in the Science of The Biographical Evaluation)*, n.p., n.d.
27. Mīrdāmād, Moḥammad Bāqir bin Moḥammad, *Al-Rawāshih al-Samāwiyyah fī Sharḥ al-'Āḥādīth al-Imāmiyyah (The Heavenly Scents in Explaining Imāmī Traditions)*, Qom: Dār al-Khilāf, 1311 AH (1893 CE).
28. Moḥammadī Qā'inī, Moḥammad, *Sukūt Mu'dī 'alayh (The Silence of the Accused)*, Website: www.qaeninajafi.ir, 1399 SH (2020 CE).
29. Mufīd, Moḥammad bin Moḥammad bin Nu'mān, *Al-Muqni'ah (The Sufficient)*, Qom: Global Congress of the Millennium of Shaykh al-Mufīd, 1413 AH (1992 CE).
30. Murtaẓā, 'Alī bin Ḥossein Mūsawī, *Al-Intiṣār fī Infrādāt al-Imāmiyyah (The Victory in the Distinctive Traits of Imāmī Shī'ism)*, Qom: Islamic Publications Office, 1415 AH (1994 CE).
31. Najafī, Moḥammad Ḥassan, *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām (The Jewels of Speech in Explaining the Rules of Islam)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1404 AH (1983 CE).
32. Najjāshī, Aḥmad bin 'Alī, *Rijāl al-Najjāshī - Fihrist Asmā' Muṣannifī al-Shī'ah (The Biographical Evaluation of al-Najjāshī - List of Shī'ah Authors)*, Qom: Islamic Publications Office, 1407 AH (1986 CE).
33. Nūrī, Mīrzā Ḥossein, *Khātimat al-Mustadrak (The Epilogue of the Supplement)*, Qom: Mu'assasah Āl al-Bayt, 1417 AH (1996 CE).

34. Ṣadūq, Moḥammad bin 'Alī bin Bābawayh, *Al-Muqni' (The Sufficient)*, Qom: Institute of Imam Hādī (a), 1415 AH (1994 CE).
35. Ṣadūq, Moḥammad bin 'Alī bin Bābawayh, *Ma 'ānī al-Akhbār (The Meanings of the Reports)*, Qom: Islamic Publications Office, 1403 AH (1982 CE).
36. Ṣadūq, Moḥammad bin 'Alī bin Bābawayh, *Man Lā Yaḥḍuruḥu al-Faqīh (He Who Is Not Present with the Jurist)*, Qom: Islamic Publications Office, 1413 AH (1992 CE).
37. Salār, Ḥamzah bin 'Abd al-'Azīz, *Al-Masām al-'Alawīyah wa al-Aḥkām al-Nabawīyah fī al-Fiqh al-Imāmī (The 'Alawī Rituals and the Prophetic Laws in Imāmī Jurisprudence)*, Qom: Ḥaramayn Publications, 1404 AH (1983 CE).
38. Shahīd 'Awal, Moḥammad bin Makkī, *Dhikr al-Shī'ah fī Aḥkām al-Sharī'ah (The Mention of the Shī'ah in the Laws of the Sharī'ah)*, Qom: Al-Bayt Institute, 1419 AH (1998 CE).
39. Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn bin 'Alī, *Rawdat al-Janān fī Sharḥ al-Rashād al-Ẓihnān (The Garden of Paradise in Explaining the Sound Guidance)*, Qom: Publications of the Office of Publicity in Qom Seminary, 1402 AH (1981 CE).
40. Shaykh Ḥurr 'Āmilī, Moḥammad bin Ḥassan, *Wasā'il al-Shī'ah (The Means of the Shī'ah)*, Qom: Al-Bayt Institute, 1409 AH (1988 CE).
41. Shubairi Zanjānī, Seyyed Mūsā, *Dars Khārij Bay' (Advanced Lessons on Sales)*, Qom: Imam Moḥammad Bāqir (a) Jurisprudential Institute affiliated with the Office of Grand Ayatollah Shubairi Zanjānī, n.d.
42. Shubairi Zanjānī, Seyyed Mūsā, *Dars Khārij Khums (Advanced Lessons on Khums)*, Qom: Imam Moḥammad Bāqir (a) Jurisprudential Institute affiliated with the Office of Grand Ayatollah Shubairi Zanjānī, n.d.
43. Shubairi Zanjānī, Seyyed Mūsā, *Dros Khārij Nikāḥ (Advanced Lessons on Marriage)*, Qom: Imam Moḥammad Bāqir (a) Jurisprudential Institute affiliated with the Office of Grand Ayatollah Shubairi Zanjānī, n.d.
44. Shubairi Zanjānī, Seyyed Mūsā, *Dros Khārij Ṣawm (Advanced Lessons on Fasting)*, Qom: Imam Moḥammad Bāqir (a) Jurisprudential Institute affiliated with the Office of Grand Ayatollah Shubairi Zanjānī, n.d.



45. Shubairi Zanjānī, Seyyed Mūsā, *Kitāb Ḥajj (The Book of Pilgrimage)*, Qom: Imam Moḥammad Bāqir (a) Jurisprudential Institute affiliated with the Office of Grand Ayatollah Shubairi Zanjānī, n.d.
46. Shubairi Zanjānī, Seyyed Mūsā, *Kitāb Nikāḥ (The Book of Marriage)*, Qom: Imam Moḥammad Bāqir (a) Jurisprudential Institute affiliated with the Office of Grand Ayatollah Shībrī Zanjānī, n.d.
47. Shubairi, Seyyed Moḥammad-Jawād, *Isti'nād (Reliance)*, Qom: Imam Moḥammad Bāqir (a) Fiqh Center Publications, 1402 SH (2023 CE).
48. Ṭabarāsī, Faḍl bin Ḥassan, *Al-Mutaliff min al-Mukhtalif Bayna 'A'immat al-Salaf (The Confusion of Differences Among the Early Imams)*, Mashhad: Islamic Research Assembly, 1410 AH (1989 CE).
49. Ṭabāṭabā'ī Qummī, Taqī, *Ārā'unā fī Uṣūl al-Fiqh (Our Opinions in the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Maḥallātī, 1371 SH (1992 CE).
50. Tabrīzī, Jawād bin 'Alī, *Asās al-Hudūd wa al-Ta'zīrāt (Foundations of Punishments and Penalties)*, Qom: Author's Office, 1417 AH (1996 CE).
51. Tafrashī, Muṣṭafā bin Ḥossein, *Asās al-Qaḍā' wa al-Shahādah (Foundations of Judicial Procedures and Testimony)*, Qom: Author's Office, n.d.
52. Tafrashī, Muṣṭafā bin Ḥossein, *Naqd al-Rijāl (Criticism of Narrators)*, Qom: Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage, 1377 SH (1998 CE).
53. Ṭūsī, Moḥammad bin 'Alī bin Ḥamzah, *Al-Wasīlah ilā Nīl al-Faḍīlah (The Means to Attain Virtue)*, Qom: Publications of the Library of Ayatollah Mar'ashī Najafī (r.a.), 1408 AH (1987 CE).
54. Ṭūsī, Moḥammad bin Ḥassan, *Al-Fihrist (The Index / Bibliography)*, Najaf Ashraf: Al-Maktabah al-Raḍawīyah, n.d.
55. Ṭūsī, Moḥammad bin Ḥassan, *Al-Istibsār fī Mā Ikhtalafa min al-Akḥbār (Clarification of What Is Conflicting in the Reports)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiyyah, 1390 AH (1970 CE).
56. Ṭūsī, Moḥammad bin Ḥassan, *Al-Khilāf (The Differences)*, Qom: Islamic Publications Office, 1407 AH (1986 CE).

57. Ṭūsī, Moḥammad bin Ḥassan, *Al-Mabsūṭ fī Fiqh al-Imāmiyyah (The Expanded Jurisprudence in Imāmī Jurisprudence)*, Tehran: Al-Maktabah al-Murtazawiyah for the Revival of Ja'farī Works, 1378 AH (1999 CE).
58. Ṭūsī, Moḥammad bin Ḥassan, *Al-Nihāyah fī Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwī (The End in Pure Jurisprudence and Fatwas)*, Beirut: Dār al-Kitāb al-ʿArabī, 1400 AH (1979 CE).
59. Ṭūsī, Moḥammad bin Ḥassan, *Rijāl al-Shaykh al-Ṭūsī (The Biographical Evaluation of Shaykh al-Ṭūsī)*, Qom: Islamic Publications Office, 1427 AH (2006 CE).
60. Ṭūsī, Moḥammad bin Ḥassan, *Tahrīb al-Aḥkām (Refinement of the Rules)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiyyah, 1407 AH (1986 CE).